

استثنائات وارده بر اصل نسبی بودن قرارداد

مر تفضی محمد حسینی طرقی*

اشاره:

نویسنده در آغازین سطرهای مقاله ارزشمند خود آورده است: «برای آشنایی بیشتر با استثنائات وارده بر اصل نسبی بودن قرارداد» در حقوق کشورمان، ابتدا بحث مختصری راجع به این اصل خواهیم نمود و آن را به عنوان قاعده مطرح می‌کنیم، سپس استثناهای وارده بر این اصل را در قانون مدنی و آنگاه قانون تجارت و بیمه عمر (که خلاف قاعده تلقی می‌شوند)، به طور موجز مورد بررسی قرار می‌دهیم. امید که برای خوانندگان سودمند افتد.



شپوهنځي ګاونډي علوم او مطالعات فرېنجي
پر تال جامع علوم انساني

مبحث نخست - قاعده

اصل نسبی بودن قرارداد یا Privity of Contract که در اصطلاح لاتینی به Res inter alios acta alteri nocerere debet؛ توافق اصحاب معامله، شامل اشخاص ثالث نمی‌شود،^۱ تعبیر گردیده است، یکی از اصول مسلمی است که به طور معمول در نظامهای گوناگون حقوقی پذیرفته شده است. به موجب این اصل هیچ کس نمی‌تواند بدون موافقت شخص ثالث، به نفع او و یا دست کم به ضرر وی تعهدی به وجود آورد، یعنی عقدی که بین دو طرف بسته می‌شود، نسبت به شخص ثالث اثری ندارد و نمی‌توان تعهد و یا حقی برای دیگری که در انعقاد قرارداد شرکت نداشته است، ایجاد نمود.

تردیدی نیست که اصل نسبی بودن قراردادها از نظر عقلی و منطقی نیز قابل پذیرش است و استقلال و آزادی اراده افراد حکم می‌کند که هیچ کس نتواند اراده خود را به دیگری تحمیل نماید و بدون رضایت شخص ثالث، حق یا تکلیفی برای او ایجاد کند. قانون مدنی ایران این قاعده را در موادی مانند ۱۹۶، ۲۱۹ و ۲۳۱ پذیرفته است مادهٔ اخیر می‌گوید: «معاملات و عقود فقط درباره طرفین متعاملین و قائم مقام قانونی

۱. محمدعلی طالقانی، فرهنگ اصطلاحات حقوقی - لاتینی، دفتر انتشارات و تأمین منابع درسی (دانشگاه شهید بهشتی)، چ اول، سال ۱۳۶۶، ص ۳۵.

آنها مؤثر است مگر در مورد ماده ۱۹۶». به بیان دیگر، اثر قراردادهای نسبی و محدود به کسانی است که در دایره عقد قرار داشته و در انعقاد آن دخالت کرده‌اند لذا آنها نمی‌توانند برای دیگران حق یا تکلیفی بیافرینند مگر در موارد خاص که به طور استثنا در قوانین مختلف ذکر شده است.

در اینجا لازم است به دو نکته اشاره نمایم، نخست اینکه اصل نسبی بودن قراردادهای با اصل قابل استناد بودن قراردادهای تفاوت دارد، یعنی مفهوم اصل نسبی بودن قرارداد همان گونه که بیان شد این است که هرگاه دو طرف با یکدیگر پیمانی ببندند، آثار عقد متوجه خود آنها بوده و نسبت به اشخاص ثالث بلا اثر است و در نتیجه فقط طرفین قرارداد در مقابل همدیگر بدهکار یا بستانکار شده و می‌توانند درباره آن عقد اقدام به طرح دعوی کنند، ولی درباره اصل دیگر گفته‌اند: قرارداد وضع جدیدی ایجاد می‌کند که اشخاص ثالث نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند و باید آن را محترم شمارند و این معنای قابل استناد بودن قرارداد در برابر اشخاص ثالث است.^۱

بنابراین، اگر «شخص الف» کاشانه (آپارتمان) خود را به «شخص ب» صلح کرد، این عقد نسبت به «شخص ج» که خارج از عقد قرار دارد نیز قابل استناد است و یا «شخص ج» هم می‌تواند به این قرارداد استناد نماید.

دوم اینکه، از مفهوم قسمت اخیر ماده ۲۳۱ قانون مدنی در نگاه اول این گونه استفاده می‌شود که اثر عقد نسبت به شخص ثالث، فقط محدود به مورد ماده ۱۹۶ قانون مزبور است، حال آنکه تعهد به سود شخص یا اشخاص ثالث در حقوق ما منحصر به این ماده نیست و به طور مثال تأسیس حقوقی ماده ۷۶۸ این قانون که نمونه آشکار صلح عهدی^۲ می‌باشد، استثنای دیگری است که بر ماده یادشده وارد گردیده است.

۱. دکتر سید حسین صفایی، دوره مقدماتی حقوق مدنی، انتشارات مؤسسه عالی حسابداری، ج ۲، تهران، سال ۱۳۵۱، صص ۱۸۸، ۱۸۷.

۲. صلح عهدی، عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، در عوض دریافت مال الصلح، پرداخت نفقه یا انجام امر معینی را، برای طرف دیگر یا شخص ثالث، به عهده می‌گیرد. برای آشنایی بیشتر با صلح عهدی و دیدن نمونه‌های آن ر. ک: دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، حقوق صلح

مبحث دوم - استثنائات وارده بر اصل نسبی بودن قرارداد

نیازهای بیش از پیش جامعه که ناشی از پیشرفت و توسعه شهرنشینی، زندگی اجتماعی و پیچیده‌تر شدن روابط اقتصادی و اجتماعی انسانهاست، موجب گردیده بر قاعده کهن نسبی بودن قرارداد، استثناهایی وارد شود و این امر طبیعی است، زیرا یکی از اهداف علم حقوق، یافتن راه‌حلهائی است که به وسیله آنها، نیازمندیهای حقوقی اشخاص رفع می‌شود و منافع آنها تضمین می‌گردد، هرچند در این مسیر به اصل نسبی بودن قرارداد نیز خدشه وارد خواهد شد.

در مبحث قبل اشاره کردیم که به رغم عقلی و منطقی بودن اصل نسبی بودن قرارداد، در قانون مدنی ما، راه‌هایی برای خروج از این اصل وجود دارد. اگر چه در آنجا نمونه‌هایی را بیان کردیم، با این وجود برای روشن شدن موضوع، به بررسی پاره‌ای از استثنائات که در حقوق ایران بر این قاعده وارد شده است، می‌پردازیم و در این راستا ابتدا قانون مدنی را بررسی می‌کنیم و آنگاه موادی از قانون تجارت و بیمه عمر را که هر یک می‌تواند نمونه تعهد به سود شخص ثالث و انحراف از اصل نسبی بودن قرارداد تلقی گردد، مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

الف - قانون مدنی

۱- ماده ۱۹۶

در قانون مدنی استثناهای فراوانی به‌طور صریح یا ضمنی بر اصل «نسبی بودن قرارداد» وارد شده است، مع‌هذا می‌توان گفت: مهم‌ترین و کامل‌ترین استثنایی که بر این قاعده وارد گردیده، تعهد به نفع شخص ثالث است. این استثناء موضوع قسمت اخیر ماده ۱۹۶ قانون مدنی است که در ماده ۲۳۱ همان قانون مورد اشاره قرار گرفته است. در آن ماده می‌خوانیم: «کسی که معامله می‌کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید یا بعد خلاف آن

ثابت شود، مع ذلک ممکن است در ضمن معامله که شخص برای خود می‌کند تعهدی هم به نفع شخص ثالثی بنماید.» این‌گونه تعهدات در نظام قضایی ما نیز پذیرفته شده و بعضاً دیوان عالی کشور هم آنها را تأیید نموده است.^۱

۲- ماده ۷۶۸

برای تحقق تعهد به نفع شخص ثالث در قانون مدنی ایران، شیوه‌های گوناگونی وجود دارد که یکی از آنها را ماده ۷۶۸ قانون مدنی نشان داده است. در این روش، تعهد به سود شخص ثالث، ضمن معامله انجام نمی‌گیرد، بلکه به عنوان عوض اصلی، در عقد صلح تعهد می‌شود. خصیصه دیگر تعهد به نفع ثالث که در این تأسیس حقوقی مقرر شده، آن است که چنین تعهداتی ویژه عقود رایگان نیست، بلکه صلح عهدی می‌تواند وسیله‌ای برای برقراری نفقه جهت شخص یا اشخاص ثالث باشد و استثنائی بر اصل نسبی بودن قرارداد تلقی گردد.

۳- ماده ۲۴۷

مورد دیگری که می‌تواند استثنائی بر اصل نسبی بودن قرارداد محسوب شود، معامله فضولی است (موضوع ماده ۲۴۷ به بعد قانون مدنی)، در این نوع معامله، قرارداد، بین فصول و طرف دیگر عقد بسته می‌شود، ولی اثر این عقد به شخص ثالثی می‌رسد که خود یا نماینده‌اش در انعقاد عقد دخالتی نداشته‌اند. بنابراین، چنین معامله‌ای با اصل نسبی بودن قرارداد تعارض دارد. درست است که اگر مالک معامله فضولی را اجازه کند، از روز عقد مؤثر است.^۲ با این حال، این مشکل وجود دارد که فصول در لحظه تراضی هیچ‌گونه سمتی نداشته است تا معامله او تجاوز به قاعده یاد شده باشد، ولی آیا واقعیت جز این است که مالک در پناه قوانین به عقد دو بیگانه می‌پیوندد و از آن سود می‌برد؟^۳

۱. ر. ک: موازین قضایی، هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مدنی، انتشارات حسینییه ارشاد، ج چهارم، تابستان ۱۳۶۴، ص ۸۲ به بعد.

۲. قانونگذار با توجه به ماده ۲۵۸ قانون مدنی، نظریه کشف را پذیرفته است.

۳. دکتر ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج سوم، شرکت انتشار با همکاری

۴- استثنای دیگر

درباره سایر استثنائات اصل نسبی بودن قرارداد در قانون مدنی، می‌توان از عقد هبه و ماده ۸۰۱ این قانون هم یاد کرد. این ماده مقرر می‌دارد: «هبه ممکن است معوض باشد و بنابراین واهب می‌تواند شرط کند که متهد مالی را به او هبه کند یا عمل مشروعی را مجاناً بجا آورد.» با دقت در قسمت اخیر این ماده می‌بینیم که اگر واهب در عقد هبه شرط کند که متهد تعهدی را به نفع شخص ثالث بنماید؛ این عمل مشروع، تعهد به سود ثالث است. بنابراین، این امر می‌تواند یکی از مصداقهای تجاوز به اصل نسبی بودن قرارداد محسوب شود، به علاوه، با مدافعه در قانون مدنی موادی از قبیل ۳۰۶، ۶۷۴، ۷۳۴ و ۸۳۴ را می‌بینیم که استثنای دیگری نیز بر قاعده مورد بحث وجود دارد که به دلیل رعایت اختصار از شرح یکایک آنها پرهیز می‌کنیم.

از محدوده عقود معین که خارج شویم، مشاهده می‌کنیم از طریق انعقاد قرارداد خصوصی و ماده ۱۰ قانون مدنی هم ایجاد تعهد به سود ثالث امکان دارد و منع نشده است. بنابراین، همان طور که گفته‌اند: «به موجب ماده فوق، می‌توان از طریق انعقاد قرارداد خصوصی به نفع شخص ثالث تعهد نمود.»^۱

ب- قانون تجارت

در قانون تجارت ایران نیز با مواردی مواجه می‌شویم که می‌توان آنها را انحراف از اصل نسبی بودن قراردادها دانست، مانند قرارداد ارفاقی که بین طلبکاران و تاجر ورشکسته بسته می‌شود و نمونه‌ای از این استثناست در ماده ۴۸۹ قانون مزبور آمده است: «همین که قرارداد ارفاقی تصدیق شد، نسبت به طلبکارهایی که در اکثریت بوده‌اند یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضا نموده‌اند، قطعی خواهد بود، ولی طلبکارهایی که جزو اکثریت نبوده و قرارداد را هم امضا نکرده‌اند می‌توانند سهم خود را

۱- بهمن برنا، چ دوم، سال ۱۳۷۶، ص ۴۳۸.

۱. دکتر سیدمصطفی محقق داماد، تعهد به نفع شخص ثالث از نظر شیخ انصاری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۷ - ۱۶، دانشکده حقوق شهید بهشتی، از پاییز ۷۴ تا بهار ۷۵، سال ۱۳۷۵، ص ۳۵.

موافق آنچه از دارائی تاجر به طلبکارها می‌رسد دریافت نمایند لیکن حق ندارند در آتیه از دارایی تاجر ورشکسته بقیه طلب خود را مطالبه کنند مگر پس از تأدیه تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته یا آن را در ظرف ده روز مزبور امضا نموده‌اند».

بنابراین، آنچه در قسمت دوم ماده یاد شده آمده است؛ یعنی، اثر قرارداد ارفاقی نسبت به طلبکارهایی که جزو اکثریت نبوده و قرارداد را هم امضا نکرده‌اند، استثنائی بر اصل نسبی بودن قرارداد به شمار می‌رود. به بیان دیگر، این دسته از طلبکاران برای دریافت بقیه طلب خود باید صبر کنند تا تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته یا بعداً آن را امضا کرده‌اند، پرداخت شود، و سپس بقیه طلب‌های خود را مطالبه و دریافت کنند.

علاوه بر این، یکی از آثار تصدیق قراردادهای ارفاقی آن است که به منع مداخله تاجر ورشکسته در اموالش پایان می‌دهد و او می‌تواند به زندگی تجاری خود بازگردد و این در حالی است که اقلیت با چنین قراردادی موافق نبوده‌اند؛ با وجود این، قرارداد ارفاقی در مورد همه طلبکارها قابل اجرا است، که این هم تجاوز دیگری به اصل نسبی بودن قرارداد به شمار می‌رود.

پ - بیمه عمر

از استثناهای دیگر اصل نسبی بودن قرارداد که نمونه شایع و آشکار تعهد به نفع شخص ثالث نیز به شمار می‌رود، بیمه عمر است. در قانون بیمه (مصوب ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۱۶)، از بیمه عمر تعریفی نشده است، ولی متخصصان تعریف‌های گوناگونی از آن نموده‌اند، مانند اینکه بعضی نوشته‌اند: «بیمه عمر قراردادی است که طبق آن بیمه‌گر در مقابل دریافت حق بیمه مقرر تعهد می‌کند مبلغ معینی خواه دفعه واحد به شکل سرمایه بیمه شده و خواه در مدت معینی به صورت مستمری به بیمه‌گزار یا شخص ثالثی که از طرف بیمه‌گزار تعیین می‌شود بپردازد. موعد انجام تعهد بیمه‌گر،

فوت بیمه شده و یا حیات او در زمان معین است»^۱.

بیمه عمر انواع مختلفی دارد که بیمه عمر به شرط حیات و بیمه عمر به شرط وفات در بین آنها رواج بیشتری دارد. انگیزه بیمه گزار در چنین بیمه‌ای غالباً معنوی، اخلاقی و دور اندیشی است، به این نحو که وی با فداکاری و صرفه‌جویی، بیمه عمر می‌شود تا آینده خانواده خود و یا شخص ثالثی را تأمین نماید و در صورت فوت او، آنها از سرمایه بیمه عمر که از بیمه‌گر دریافت می‌کنند تا حدودی در رفاه و آسایش باشند. امروزه، دولت‌ها نیز تلاش می‌کنند این نهاد مفید گسترش یابد و دست کم ورثه کارکنان آنها در موقع فوت بیمه شده، مبلغ قابل توجهی از بیمه‌گر دریافت نمایند.^۲ البته شرکت‌های بیمه هم یکی از هدف‌های تأسیس خود را ایجاد تأمین و اطمینان مورد نیاز جامعه از طریق انجام و تعمیم انواع بیمه‌های بازرگانی می‌دانند.^۳

درباره مشروع بودن عقد بیمه، بین فقیهان بحث‌های زیادی مطرح شده است و در این راستا، قرارداد بیمه عمر بیش از سایر انواع بیمه مورد مخالفت فقهای اهل سنت و عده‌ای از علمای شیعه قرار گرفته و به همین جهت در کنفرانس‌های اسلامی نیز همواره مورد بحث و گفتگو بوده است.^۴

در هر حال اقسام متنوع عقد بیمه و خصوصاً بیمه عمر که در اینجا بحث می‌شود، در نظام حقوقی ما پذیرفته شده است، به طوری که در قانون بیمه مصوب

۱. دکتر همایون مشایخی، مبانی و اصول حقوق بیمه، ج دوم، بیمه‌های اشخاص، انتشارات مدرسه عالی بیمه ایران، نشریه شماره ۴، ص ۱۸۵. برای ملاحظه تعریف دیگر ر. ک: دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، ج دوم، سال ۱۳۶۷، ص ۱۲۳.

۲. به عنوان نمونه می‌توان به تصویب نامه شماره ۵۰۲۴/ت ۲۵۳ مورخ ۱۳۶۷/۴/۱۱ هیأت وزیران که در روزنامه رسمی شماره ۱۲۶۳۰ مورخ ۱۳۶۷/۴/۱۸ راجع به بیمه حادثه و فوت کارکنان دولت و سازمان‌های وابسته درج گردیده است، اشاره نمود، به موجب این مصوبه کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی موظفند کارکنان خود را تحت شرایطی بیمه حادثه و فوت نمایند.

۳. ر. ک: ماده ۲ اساسنامه شرکت سهامی بیمه ایران، مجموعه قوانین سال ۱۳۶۸، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ص ۶۸۶.

۴. ر. ک: توفیق عرفانی، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، سازمان انتشارات کیهان، ج اول، سال ۱۳۷۱، صص ۲۲۴، ۲۲۳.

سال ۱۳۱۶ خورشیدی، مواد متعددی به این نهاد حقوقی و اجتماعی اختصاص یافته است و پس از انقلاب اسلامی نیز، این نوع بیمه بدون اینکه مورد ایراد شورای نگهبان قرار گیرد در قوانین کشور آمده است، به علاوه بعضی از فقهای معاصر که به این عقد اشاره نموده‌اند، آن را صحیح دانسته‌اند.^۱

از جهت قانونی، هر چند بیمه عمر نوعی عقد غیر معین است که می‌توان آن را در قالب ماده ۱۰ قانون مدنی منعقد نمود؛ ولی این قرارداد در چهارچوب عقد صلح نیز قابل انعقاد است.

راجع به بیمه عمر در اینجا ذکر سه نکته ضروری است: نخست، تعهدی که در بیمه عمر به سود ثالث می‌شود یا همان سرمایه بیمه عمر، عوض معامله است و چهره فرعی و تبعی نخواهد داشت، یعنی در بیمه عمر، بیمه‌گزار معمولاً ماهیانه مبلغی به بیمه‌گر پرداخت می‌کند (در مورد کارکنان دولت یک دوم از حق بیمه توسط افراد بیمه شده و بقیه از محل اعتبارات دستگاه مربوطه پرداخت خواهد شد)^۲ و در مقابل بیمه‌گر متعهد می‌شود که پس از فوت بیمه‌گزار مبلغ معینی به ورثه یا شخص دیگری که در هر حال شخص ثالث است، بپردازد.

دوم اینکه در مورد عوض، یعنی آن چیزی که به شخص ثالث می‌رسد، ماده ۲۴ قانون بیمه مقرر می‌کند: «وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخته شود به ورثه قانونی متوفی پرداخته می‌شود مگر اینکه در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری شده باشد که در این صورت وجه بیمه متعلق به کسی خواهد بود که در سند بیمه اسم برده شده است.» بنابراین، آنچه پس از فوت بیمه‌گزار به ورثه یا شخص دیگری که در سند بیمه از او نام برده شده می‌رسد، به عنوان ترکه متوفی نیست تا طبق قانون ارث تقسیم شود؛ بلکه، حقی است که طبق قانون بیمه با فوت بیمه‌گزار به نفع شخص یا اشخاص ثالث معین شده یا برای ورثه او ایجاد می‌شود و به این دلیل

۱. امام خمینی (ره)، رساله توضیح المسائل، مسأله ۲۸۶۶.

۲. ر.ک: بند ۳ تصویب نامه پیشین، مجموعه قوانین سال ۱۳۶۷، ص ۳۷۸.

است که سرمایه بیمه عمر اگر برای اشخاصی غیر از ورثه متوفی باشد، بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود (مگر اینکه بیمه شده به نحو دیگری مقرر کرده باشد) و اگر استفاده‌کنندگان از سرمایه بیمه عمر ورثه متوفی باشند و سهم آنان از طرف بیمه شده تعیین نگردیده باشد نیز، سرمایه بیمه به نسبت مساوی بین ورثه قانونی، تقسیم خواهد گردید (از جهت نسبت، شبیه حقوق وظیفه مشمولین قانون استخدام کشوری است)^۱ زیرا، ظاهر آن است که در فرض ماده ۲۴ قانون بیمه، منشأ استحقاق ورثه متوفی از سرمایه بیمه عمر، اشتراط استحقاق ورثه است نه مقررات ویژه مربوط به ارث که در قانون مدنی ما آمده است. به بیان دیگر اگر در قرارداد بیمه عمر پیش بینی نشده باشد که پس از فوت بیمه‌گزار، استفاده‌کننده از سرمایه بیمه عمر چه کسی است و یا سهم وی از طرف بیمه شده تعیین نگردیده باشد، سرمایه مزبور به نسبت مساوی بین وراث قانونی بیمه شده تقسیم می‌شود، نه به نسبت قاعده ارث که دارای مقررات خاص است و قابلیت مشمول به غیر مورد ارث را ندارد.

نکته سوم این است که مطابق مفاد ماده ۲۵ قانون بیمه، بیمه‌گزار همواره می‌تواند ذی نفع مندرج در سند بیمه عمر را تغییر دهد و دیگری را به جای او برگزیند. این ماده می‌گوید: «بیمه‌گزار حق دارد ذی نفع در سند بیمه عمر خود را تغییر دهد مگر آنکه به دیگری انتقال داده و بیمه‌نامه را هم به منتقل‌الیه تسلیم کرده باشد.» بدین ترتیب، بیمه عمر نیز از جمله مواردی است که می‌توان آن را نوعی تعهد به سود شخص ثالث و خروج از اصل نسبی بودن قرارداد به حساب آورد.

۱. طبق ماده ۸۷ قانون استخدام کشوری، حقوق وظیفه به تساوی بین وراث قانونی مستخدم تقسیم می‌شود.



شپوهنځي ګاونډي علوم او مطالعات فرېنجي
پرتال جامع علوم انساني